

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال ۴ - بهار ۱۴۰۳ - شماره شانزدهم - ص ۵۳ - ۶۶

بررسی و تحلیل اسناد و سیاست‌های مرتبط با جایگاه زنان و ویژگی‌های خانواده در کشورهای مختلف

محسن امینی قمی^۱

چکیده

خانواده نقش اساسی در شکل‌گیری هویت افراد جامعه دارد و در عین حال از اهمیتی تاریخی و فرهنگی برخوردار است. اهمیت خانواده به میزانی است که دولت‌ها ورود جدی به حوزه خانوادگی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. خانواده در بسیاری از جوامع، تحولات و الگوهای جدیدی را شاهد بوده است. این تحولات به قدری سریع بوده که مسائلی از خود به جای گذاشته و جوامع را دچار بحران کرده است.

از این رو خانواده نهاد مهم جامعه به شمار می‌رود که پایه استوار این نهاد، مادران و زنان خانواده هستند از همین باب همواره تنش‌های موجود و جایگاه ارزشی و اجتماعی زنان، مورد توجه محققان بوده است.

پژوهش حاضر به دو بخش کلی تقسیم می‌شود؛ در بخش اول به طور خلاصه، به سیاست‌های مدون برخی کشورها در رابطه با ارزش و جایگاه زن پرداخته می‌شود؛ و در بخش دوم به ویژگی‌های خانواده در چندین کشور جهان، گریزی زده می‌شود.

کلید واژه‌ها: هویت - خانواده - زن - مرد - کشورهای مسلمان - کشورهای غربی.

مقدمه

خانواده در جهان مدرن با وجود نهادهای آموزشی، هنوز هم به عنوان پایه‌ای ترین نهاد آموزش و جامعه پذیری به شمار می‌رود. طبعاً ارزش‌هایی که در خانواده و به خصوص از طرف مادران به فرزندان انتقال می‌یابند تأثیرات عمیقی در سطوح خرد و کلان در جامعه بر جای می‌گذارند.

در بخش اول پژوهش حاضر، سیاست‌های موجود در حوزه زن و خانواده در کشورهای ایران، مالزی، مصر، ترکیه، دانمارک، کانادا و آلمان مورد بررسی قرار گرفته. در انتخاب کشورها، ملاحظات زیر در نظر گرفته شده است:

۱. ترکیب مناسب و متنوعی از کشورهایی با فرهنگ‌ها و رویکردهای مدیریتی انتخاب شده. ایران، مالزی، مصر و ترکیه کشورهای مسلمان هستند؛ دانمارک، کانادا و آلمان از میان کشورهای غربی انتخاب شده‌اند.
۲. ترکیب مناسب و متنوعی از کشورهایی با سطوح توسعه یافتگی اقتصادی انتخاب گردیده. همچنین با انتخاب کانادا، دانمارک و آلمان از میان کشورهای توسعه یافته نیز به این نکته توجه شده است.
۳. سعی شده کشورهایی انتخاب شوند که برنامه‌های منتشر شده رسمی و یا قابل استناد در حوزه زنان و خانواده داشته باشند. اسناد هر هفت کشور ایران، مالزی، مصر، ترکیه، دانمارک، کانادا و آلمان منتخب اسنادی رسمی به شمار می‌آیند که روی پایگاه اینترنتی دولت و یا مراجع معتبر قرار گرفته‌اند. سیاست‌های کشور آلمان نیز به استناد گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.
۴. علاوه بر این‌ها، به این نکته نیز توجه شده است که اسناد مورد مطالعه به‌روز باشند و آخرین برنامه‌های کشورها در حوزه زنان و خانواده را در بر گیرند.
۵. کشور ایران در پژوهش حاضر به دلیل وجود و در دسترس بودن اطلاعات مرتبط و کافی در این باره و ایجاد مقام مقایسه بین دیگر کشورهای مسلمان و کشورهای غربی حاضر در پژوهش، انتخاب شده است. با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و ملاحظات مذکور، به نظر می‌رسد ترکیب مناسب و قابل قبولی از کشورها انتخاب شده است که غنای محتوایی لازم را برای پوشش موضوعات مورد مطالعه به دست می‌دهد. برای تهیه منابع پژوهش به جستجوی گسترده منابع موجود در شبکه جهانی اینترنت، یعنی وبسایت‌های نهادهای بین‌المللی، مقالات تدوین شده مرتبط با موضوع، سایت‌های خبری و ... مراجعه شده است.

بخش اول: یافته‌ها

در این بخش، اسناد و گزارش‌های منتشر شده مرتبط با هفت کشور مورد مطالعه در حوزه زنان و خانواده به صورت خلاصه آمده است. یادآوری می‌شود بخشی از محتوای این اسناد که مرتبط با کشور های مالزی، مصر، ترکیه، دانمارک، کانادا و آلمان هستند، با توجه به بینش‌های ارزشی نظام جمهوری اسلامی مورد نقد جدی

است و تنها کارکرد آن، شناسایی روندهای جهانی و تهدیدات آن برای حوزه زنان و خانواده در کشورما خواهد بود.

۱. ایران

دولت و مجلس ایران در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی که تدوین قانون اساسی شروع شد، با وجود این که مقام و منزلت زن در بین خانواده‌ها و اقشار جامعه نقش قابل توجهی داشت، در صدد برنامه‌ریزی و تعیین قوانینی در جهت الزام بخشیدن اهمیت به جایگاه زنان در جامعه درآمدند؛ چیزی که امروزه برخی به اسم حقوق زنان و برخی آن را برابری جنسیتی می‌نامند. البته که مفهوم این دو عنوان کمی از هم جداست؛ اما در همین حد بدانیم که برابری جنسیتی مستلزم حقوق زنان و مردان است.

پس از پایان تدوین قانون اساسی در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۸ و در طول سال‌های متمادی در اجرای قوانین حمایتی از زنان، نقش و جایگاه زنان در جامعه، خانواده و حتی در امور ساختاری، سیاسی و اجرایی دولت بیش‌تر شد.

از نتایج مثبت و قابل توجه این قوانین حمایتی، همین بس که نرخ مشارکت دختران در دانشگاه‌ها در پیش از انقلاب اسلامی عددی بالغ بر ۲۹ درصد و چند سال پس از تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، این عدد به حدود ۶۰ درصد افزایش یافت و هم اکنون هم به نسبت تقریبی، حدود نیمی از فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی را زنان و دختران تشکیل می‌دهند.

در ادامه به چند قانون موجود در اصل قانون اساسی و قانون مدنی ایران می‌پردازیم:

- در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی آمده است: تأمین حقوق همه جانبه افراد، اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف دولت است.

بند ۸ این ماده نیز به حق فعالیت سیاسی زنان همانند مردان، اشاره دارد. این بند به بیان این موضوع می‌پردازد که دولت ایران موظف است برای مشارکت همه مردم (اعم از زن و مرد) در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه امکانات را فراهم کند؛ بنابراین طبق قانون اساسی برای حق زنان در عرصه سیاست به عنوان رأی دهنده و رأی گیرنده، جز در موارد خاص، منعی وجود ندارد.

- اصل ۲۰ قانون اساسی به بیان این موضوع می‌پردازد که: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

- اصل ۲۱ قانون اساسی دولت را موظف کرده حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:

- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

- حمایت از مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.
 - ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛ ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.
 - اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی.
 - ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی: بر اساس این ماده، به مجرد عقد، زن مالک مهریه می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بکند. زن هر وقت بخواهد می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند، مگر شرایطی دیگری بین زوجین مقرر شده باشد.
 - ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی: طبق این ماده، زن مالک اموال خود است و مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی که بخواهد انجام دهد و شوهر حق دخل و تصرف در آن را ندارد.
 - ماده ۱۱۰۶ و ۱۱۱۱: بر اساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، نفقه زن بر عهده شوهر است و طبق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی در صورت امتناع مرد از پرداخت نفقه، زن می‌تواند به محکمه مراجعه کند و دادگاه او را محکوم به پرداخت نفقه خواهد کرد و در صورت امتناع مجدد از پرداخت، مسئولیت کیفری خواهد داشت. همچنین در فصل قانون کار زنان می‌توان به صورت خلاصه به اهم موضوعات زیر اشاره نمود:
- الزام قانون به حمایت از زنان شاغل، ممنوعیت سپردن کارهای خطرناک، سخت و زیان آور به زنان و ممنوعیت حمل بار بیش از ۲۰ کیلو برای زنان کارگر، تعیین ۹۰ روز مرخصی با حقوق قبل و بعد از زایمان و احتساب این مدت در سوابق خدمت و اجازه نیم ساعته به مادران شیرده برای شیردادن کودکان پس از هر ۳ ساعت کار.
- منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران:
- گسترده‌ترین شکل حقوق اجتماعی زنان را می‌توان در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران دید.
- منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در ۱۴۸ بند تدوین شده و در سال ۱۳۸۳ در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است.
- این منشور طیف وسیعی از حقوق زنان مانند: حق سلامت، حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حقوق سیاسی و حقوق قضایی زنان را شامل می‌شود و به بیان حقوق و مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان و دختران می‌پردازد. برخی از مهم‌ترین حقوق زنان در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:
- حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت.

- حق برخورداری از بهداشت باروری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان با استفاده از زنان متخصص و پیشگیری و درمان بیماری‌های شایع زنان، بیماری‌های مقاربتی و نازایی آنان.
 - حق بهره‌مندی دختران بی‌سرپرست، زنان مطلقه، بیوه، سالخورده و خودسرپرست نیازمند، از بیمه‌های عمومی، خدمات مددکاری و بیمه‌های خاص به ویژه در بخش بهداشت و درمان.
 - حق برخورداری مادران از امنیت مادی و معنوی خصوصاً در ایام سالمندی و از کارافتادگی.
 - حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان.
 - حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت‌بدنی و تفریحات سالم.
 - حق برخورداری از خدمات مشاوره‌ای و آزمایش‌های پزشکی جهت اطمینان از سلامت کامل مرد در امر ازدواج و در حین ازدواج.
 - حق برخورداری زنان آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر اجتماعی از حمایت‌های مناسب جهت بهبود وضعیت فرهنگی خود و جامعه.
 - حق تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطح علمی و مشارکت در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین‌المللی.
 - حق برخورداری زنان و دختران از حمایت‌های لازم در صورت فقر، طلاق، معلولیت، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی و ایجاد امکانات جهت توانبخشی و خودکفایی آن‌ها.
 - حق برخورداری از مزد و مزایای برابر، در شرایط کار مساوی با مردان و سایر زنان.
 - حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و ایجاد و اداره تشکلهای اقتصادی و عضویت در آن‌ها.
 - حق بهره‌مندی زنان ایرانی از حمایت‌های قانونی در ازدواج و تشکیل خانواده با مردان غیر ایرانی با رعایت ضوابط.
 - حق بهره‌مندی از آموزش و تصدی مشاغل انتظامی، آموزش‌های حقوقی و تصدی مشاغل حقوقی.
 - حق برخورداری از تدابیر قانونی و حمایت قضایی جهت پیشگیری از جرم.
 - حق برخورداری از محاکم خاص خانواده.
 - حق برخورداری از حمایت‌های همه‌جانبه دستگاه قضایی.
 - حق اعاده حیثیت زنان در اثر تقصیر، اشتباه قاضی در موضوع حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص و جبران خسارت مادی و معنوی از آن‌ها.
 - حق زنان در برخورداری از امکانات مناسب بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی در زندان‌ها.
- نا گفته نماند که این منشور در صدد بیان نحوه اجرای قانون نیست و لازم است با توجه به ساختار قوانین و تصویب قوانین مربوطه، یک ضمانت اجرایی برای بندهای این منشور در نظر گرفته شود.

موضوع برابری جنسیتی در ترکیه پیشینه‌ای طولانی دارد. در سال‌های اخیر، سیاست‌های دولت در راستای قوت بخشیدن به نقش زنان در جامعه، بسیار گسترده و مشهودتر از قبل شده است. اصلاحات بسیاری، به خصوص در قانون اساسی، قانون جزا، قوانین مدنی و قانون کار صورت گرفته است. در حالی که مبنای قانونی برابری بین زنان و مردان در توافق‌نامه‌ها و مصوبه‌های مذکور قوت یافته است، اما هنوز مشکلاتی در زمینه اجرا و تشخیص این حقوق در مرحله عمل وجود دارد. در نواحی مختلف هنوز مشکلات خاصی مانند مدرسه رفتن دختران، دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و مراقبتی، فرصت برابر شغلی و مشارکت در پروژه‌های تصمیم‌گیری وجود دارد. به مانند سایر کشورها، خشونت علیه زنان یکی از مشکلات اساسی در ترکیه است. موقعیت نامناسب زنان ترک در عرصه‌های مختلف، به نزول شاخص‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی منجر شده است. ارزش‌ها و تصورات سنتی و کلیشه‌ای در مورد جنسیت و ساختار فرهنگی جامعه، مشکلات و موانعی را برای زنان ایجاد کرده است که بر زندگی روزمره و اقتصادی و اجتماعی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بنابراین، رفتارهای اجتماعی و روندهای مربوط باید تحت بازبینی، تطبیق، پرسش و در نهایت اصلاح قرار گیرند.

پذیرش مفهوم برابری جنسیتی، از موارد مهم حذف نابرابری هاست که بر شاخص‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تأثیر بسزایی دارد و تمامی ذینفعانی که مسئولیتی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان دارند، موظف به پیروی از این الگو هستند. برنامه راهبردی ملی برابری جنسیتی دولت ترکیه مبنای فعالیت هاست و راهنمای این مسیر خواهد بود.

اولین برنامه راهبردی ملی برابری جنسیتی در سال ۱۹۹۶ تهیه شد و به کمک تمامی مسئولان و زیر نظر اداره مربوطه که «اداره کل رسیدگی به مشکلات و وضعیت زنان» نامگذاری گردیده، عملیاتی شد. پیش‌نویس این برنامه، درست بعد از چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن در سال ۱۹۹۵ آماده شد. در برنامه راهبردی ملی قبلی، وضعیت زنان در حوزه‌های مختلف شناسایی شد و اهداف و فعالیت‌ها مشخص گردید. برنامه راهبردی ملی برابری جنسیتی (۲۰۱۳ - ۲۰۰۸)، می‌تواند ادامه برنامه قبلی باشد و اولویت‌های ملی و خطمشی‌های اجرایی مربوط به مسائل زنان و مردان را دوباره تعریف کند. این سند راهبردی در موضوع برابری جنسیتی، حوزه‌های اقتصادی، فقر، نفوذ قدرت و پروژه‌های تصمیم‌گیری، سلامت، محیط، رسانه، تحصیل و مکانیسم‌های نهادی را پوشش می‌دهد. برای هر کدام از این موارد، سند سیاسی جامعی مهیا گردید که شرحی در مورد وضعیت فعلی و تحلیل موانع موجود در رسیدن این اهداف و استراتژی‌های عملی مربوط است. سند ملی راهبردی برابری جنسیتی با در نظر گرفتن اسناد بالادستی ملی و بین‌المللی بسیاری در زمینه ترفیع برابری جنسیتی، مانند برنامه توسعه اقتصاد کلان نهم (۲۰۱۳ - ۲۰۰۷)، معاهده ریشه‌کنی همه گونه‌های تبعیض علیه زنان، شرط اتحادیه اروپا و اهداف توسعه هزاره تدوین شده است.

۳. مالزی

سند راهبردی بهبود وضعیت زنان مالزی با در نظر گرفتن نکات و اسناد بالادستی ملی و بین‌المللی زیر تدوین شده است:

- سند «سیاست‌های ملی بهبود وضعیت زنان».
- موانع موجود در برابر مشارکت زنان در فرایندهای توسعه ملی در برنامه ششم توسعه مالزی.
- هفت راهبرد اساسی بهبود وضعیت زنان که در برنامه هفتم توسعه مالزی ارائه شده است.
- تعهدات دولت در معادلات بین‌المللی از جمله معاهده ژنو در مورد توسعه اقتصادی در مناطق روستایی معاهده پکن، معاهده ریشه کنی همه گونه‌های تبعیض علیه زنان با شروط مشخص.
- سند راهبردی بهبود وضعیت زنان، که تمام سیاست‌های دولت و تعهداتش در سطح ملی و بین‌المللی را به شکل برنامه‌ها و پروژه‌هایی با متولیان مشخص شامل دولت و سازمان‌های مردم نهاد بخش خصوصی یکپارچه می‌کند. این سند، فعالیت‌های متعددی را شامل می‌شود، از جمله تقویت مؤسسات فعال در زمینه بهبود وضعیت زنان، افزایش آگاهی عمومی و حساسیت بروکراسی دولتی به مصالح زنان، تقویت سازمان‌های مردم نهاد برای افزایش کارآیی و تأثیر برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی زنان و خانواده، سلامت، آموزش و تربیت و اقتصاد، تقسیم قدرت در سازماندهی سیاست‌ها و تصمیم‌گیری زنان در رسانه، دین، هنر، فرهنگ و ورزش.

گروه‌های متعددی چون مجمع شورای ملی، گروه تدوین سند راهبردی بهبود وضعیت زنان در مورد ورود زنان در توسعه، دبیرخانه امور زنان، وزارت وحدت ملی و توسعه اجتماعی و سایر ادارات دولتی وابسته، سازمان‌های زنان، مشاوران و دیگر بخش‌ها را بررسی و اصلاح کردند و پس از اجماع ذینفعان، دستور کار هر گروه یا ارگان را نهایی کردند. فعالیت‌های پیشنهاد شده شامل فعالیت‌های ضروری، کوتاه مدت و بلند مدتی است که باید انجام شوند. با این سند راهبردی، تمام بخش‌های درگیر در استقرار زنان در جایگاه حقوقیشان در این کشور، خط سیری کلی در آماده‌سازی برنامه‌ها برای ورود زنان به توسعه دارند. با آماده سازی فعالیت‌های پیشنهادی در این سند، زنان در مالزی شانس مساوی برای مشارکت در اشتغال در ساختن مالزی ممتاز دارند. بر این اساس، زنان مانند مردان این کشور، دارایی‌های مهمی برای این ملت هستند که باید تغذیه شوند و برای ساختن ملت مالزیایی پایدار در زمینه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی ارتقا یابند که این به معنی توسعه بر اساس الگوهای کشور مالزی است.

۴. مصر

شورای ملی زنان در سال ۲۰۰۰ بر اساس ابلاغیه ریاست جمهوری به عنوان نهاد مستقل و زیر نظر ریاست جمهوری تأسیس شد. اولین زن رئیس این شورا خانم سوزان مبارک بود. طبق ابلاغیه ریاست جمهوری، مأموریت این نهاد ارتقای وضعیت زنان مصری و تقویت نقش آنان برای انجام فعالیت اقتصادی و اجتماعی است.

وظایف این شورا عبارت است از:

- نظارت بر اجرای سیاست‌های کلان در حوزه زنان و ارزیابی این سیاست‌ها.

- تهیه پیش‌نویس برنامه‌های ملی برای پیشرفت زنان و حل مشکلات مربوط به آن‌ها.
 - پیشنهاد سیاست‌های کلان برای جامعه و نهادهای قانون‌گذار به منظور توسعه توانمندسازی زنان در راستای ایفای نقش اجتماعی و اقتصادی آن‌ها.
 - ارائه پیشنهاد بر روی قوانین و تصمیمات مربوط به زنان قبل از تسلیم آنها به مقامات ذیربط مبتنی بر طرح‌های مرتبط با قوانین لوازم مورد نیاز برای پیشرفت زنان.
- مؤسسه از زمان تأسیس، همایش‌های ملی بسیاری با هدف ارتقای توانمندی زنان برگزار کرده است. این شورا دارای قدرت قانون‌گذاری و همچنین روابط بین‌المللی بسیاری در سراسر دنیا است و این نشان از آن دارد که این شورا نقش بسزایی در افزایش توانمندی زنان در همه عرصه‌ها دارد و می‌تواند از این روابط برای بهبود و توسعه هرچه بیشتر جامعه استفاده کند.

۵. کانادا

در سال ۱۹۷۶ دولت کانادا دفتر هماهنگی امور زنان را به منظور هماهنگ کردن سیاست‌های مرتبط با وضعیت مدیریت کردن برنامه‌های مربوط به حوزه زنان و خانواده، تأسیس کرد. اداره امور زنان کانادا (وزارت امور زنان) در راستای انجام وظیفه خود، نقش کلیدی در حمایت از طرح‌های دولت کانادا برای برابری جنسیتی و نیز مشارکت کامل زنان در اقتصاد، اجتماعات و زندگی دمکراتیک ایفا می‌کند. این وزارتخانه برای اثرگذاری بیشتر با سایر دستگاه‌ها، نهادها و وزارتخانه‌های فدرال، فرماندارهای ایالتی، مؤسسات بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی همکاری می‌کند. این نهاد همچنین با همکاری شرکای خود در انجام تعهدات داخلی و بین‌المللی در مورد برابری جنسیتی فعالیت می‌نماید.

در سال (۲۰۱۳ - ۲۰۰۷)، اداره امور زنان کانادا بر سه حوزه کلیدی تمرکز داشت:

- ارتقای رفاه و امنیت اقتصادی زنان.
 - پایان دادن به خشونت علیه زنان و دختران.
 - و نیز تشویق زنان به انجام نقش‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری.
- اولویت‌های سرمایه‌گذاری این وزارتخانه، پروژه‌های خلاقانه‌ای است که بر تقویت زنان از لحاظ اطلاعات، دانش، مهارت‌ها و ابزارهایی که آن‌ها برای عهده دار شدن نقش‌های رهبری در دولت کانادا و مؤسسات خصوصی نیاز دارند، تمرکز می‌کنند. همچنین، این وزارتخانه استفاده از مدل چهارچوب جنسیت‌گرا را در تمام وزارتخانه‌ها و نهادها تسهیل خواهد کرد. در این راستا، برنامه عملیاتی تحلیلی بر مبنای جنسیت، با همکاری کمیسیون محاسبات عمومی مجلس عوام تدوین گردید؛ که با اجرای آن، تعهدات دولت در قبال اجرای این مدل در میان مؤسسات و نهادهای دولتی تقویت خواهد شد.

۶. دانمارک

وزارتخانه برابری جنسیتی در دولت دانمارک برنامه‌های دولت در این زمینه را پیگیری می‌کند. مأموریت‌های این وزارتخانه، همان طور که از نامش مشخص است، صرفاً به بهبود وضعیت زنان محدود نمی‌شود. این

وزارتخانه برنامه‌های متعددی را نیز برای ارتقای وضعیت مردان دنبال می‌کند. همچنین با توجه به پیشینه طولانی موضوع برابری جنسیتی در جهان و سطح توسعه یافتگی کشور دانمارک، به ویژه در حوزه‌های توسعه انسانی، بسیاری از فعالیت‌ها و برنامه‌های رایج ارتقای وضعیت زنان که در سطح بین‌المللی و ملی کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود.

سندی که در ادامه، چکیده ای از آن بیان می‌شود، اهداف و برنامه‌های دولت دانمارک را برای توسعه برابری جنسیتی تشریح می‌کند. هدف دولت دانمارک ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان و مردان است. هدف آن است که به زنان و مردان به گونه‌ای برابر نگرسته شود و آن‌ها فرصت‌های برابری برای انتخاب زندگی مطلوبشان داشته باشند. تلاش دولت در جهت ایجاد احترام به تنوع و تمایلات شخصی افراد است. برای این منظور، به عنوان امری نو، این دیدگاه و سند راهبردی دانمارک، ۱۵ هدف سیاسی و شاخص برابری جنسیتی را تا سال ۲۰۱۵ برای برابری جنسیتی بیشتر در بر می‌گیرد. این ۱۵ هدف شامل اهداف دولت برای بالا بردن برابری جنسیتی است؛ از جمله این اهداف، سربازی اجباری برای زنان می‌باشد.

این اهداف در حوزه‌های همه وزارتخانه‌ها اثرگذار است و چه بسا فراتر از این سطوح می‌رود؛ چرا که برابری جنسیتی محدود به کارهایی که دولت می‌تواند و باید انجام دهد نیست؛ بلکه موضوع الگوی اجتماعی است که باید اجرا شود.

ناگفته نماند که با اتخاذ این سیاست‌ها، کشور دانمارک در سال ۲۰۱۷ به عنوان دومین کشور برتر برابری جنسیتی در اتحادیه اروپا انتخاب شد.

۷. آلمان

کشور آلمان به دلیل سابقه دو نظام حاکم کاملاً متعارض یکی از مناسب‌ترین کشورها برای مطالعه سیاست‌گذاری در حوزه زنان و خانواده است. در آلمان شرقی سیاست‌گذاری خانواده در راستای اهداف دولت کمونیستی آلمان شرقی بود و در آلمان غربی سیاست‌های لیبرال و محافظه کارانه، محور سیاست‌گذاری خانواده بود. این کشور به دلیل بحران جمعیتی و مواردی از این دست؛ تنش‌هایی را شاهد بوده که به اجرای سیاست‌های متنوع منجر شده است.

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کشور آلمان نرخ بسیار پایین مولید را خصوصاً بین سال‌های منتهی به سال ۲۰۰۰ و چند سال بعد از آن تجربه کرده است و این نرخ در سال ۲۰۱۳ به پایین‌ترین حد خود رسید. در این زمان بسیاری از مقامات سیاسی و حتی شخصیت‌های کلیسا به دنبال تشویق زنان به ماندن در خانه و اقدام به فرزندآوری بودند. این کشور در سال‌های اخیر با اقدام‌هایی چون مهاجرپذیری، تدابیری جهت برون رفت از این بحران اندیشیده است. در سال ۲۰۰۴ نیز میزان طلاق در این کشور به بالاترین حد خود رسید.

این گزارش می‌افزاید در برخی از سیاست‌های خانواده در این کشور به تعریف نقش مراقبتی برای مردان و ارائه مرخصی‌های مراقبت از کودک و مانند آن برای کمک به زنان مشاهده می‌شود؛ با این حال تأکید آلمان‌ها به «مدل تأمین مخارج مردانه» سبب تأکید بیش‌تر بر نقش مراقبتی زنان در این کشور شده است.

هم‌اکنون دولت آلمان در تلاش است تا با تمرکز بیش‌تر بر خانواده‌های تک سرپرست، ارائه مرخصی‌های بیش‌تر برای والدین و ایجاد محیط کاری دوست‌دار زنان و دوست‌دار خانواده، شرایط حضور بیش‌تر زنان در

اقتصاد آلمان را مهیا کند و همزمان نقش مراقبتی آنان در خانه را حفظ نماید. دولت کمک هزینه‌ای از ۳۰۰ تا ۱۸۰۰ یورو در ماه را به پدر یا مادر فرزند تازه به دنیا آمده اختصاص می‌دهد؛ که این مبلغ حداکثر تا ۱۴ ماه پرداخت می‌شود؛ یکی دیگر از والدین نیز برای حداقل دو ماه می‌تواند از این تسهیلات استفاده کند. سیاست‌های حمایتی اختصاصی مادران شاغل، شرایط مساعدی را برای این افراد فراهم می‌کند تا در صورت فعالیت اقتصادی نیز بتوانند به نقش مراقبتی خود در خانه و تربیت فرزندان نیز بپردازند.

نتیجه بحث

دو نکته مشترک در تدوین برنامه‌های کلیه کشورها به چشم می‌خورد: نخست این که همه کشورهای مورد مطالعه در تدوین برنامه‌های بهبود وضعیت زنان به برنامه‌های ملی توسعه توجه نموده و تلاش نموده‌اند برنامه‌های زنان و خانواده را هماهنگ با برنامه‌های کلان کشور طراحی کنند و دیگر این که این کشورها به معاهدات بین‌المللی مانند معاهده پکن و معاهده ریشه‌کنی همه گونه‌های تبعیض علیه زنان (سازمان ملل) متعهدند و برنامه‌های خود را بر این اساس تدوین نموده‌اند. ترکیه و مصر تلاش کرده‌اند در تدوین راهبردهای بهبود وضعیت زنان از تجارب کشورهای توسعه یافته استفاده نمایند. برای نمونه، سند مربوط به ترکیه با همکاری وزارت امور اجتماعی و کار هلند تهیه شده است.

در برخی از کشورها، عمدتاً کشورهای غربی، کلیه امور بهبود وضعیت زنان در وزارتخانه‌ای تحت عنوان برابری جنسیتی پیگیری می‌شود. در برخی دیگر از کشورها، شورایی تحت عنوان شورای زنان، زیر نظر نخست وزیر که عالی‌ترین مقام اجرایی است، یا یکی از وزرا مسائل زنان را پیگیری می‌کند.

با توجه به این که مسئله بهبود وضعیت زنان در حدود ۲۰ سال اخیر به یکی از دغدغه‌ها و فعالیت‌های اصلی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل تبدیل شده و شاخص‌های بهبود وضعیت زنان به عنوان شاخص‌های اساسی پیشرفت و توسعه انسانی به شمار می‌آیند، کلیه کشورهای مورد مطالعه در مورد برابری قوانین و فرصت‌ها برای زنان و مردان به اجماع نسبی رسیده‌اند. البته این موضوع در کشورهای غربی مانند دانمارک، کانادا و آلمان، فراتر از یک جهت‌گیری است و برابری جنسیتی ارزش بنیادین جامعه و الگویی اجتماعی قلمداد می‌شود.

یکی دیگر از رویکردهای اساسی که در بیش‌تر کشورها بدان توجه شده است، اهمیت مشارکت زنان، به عنوان نیمی از نیروی کار، در توسعه ملی است. کشورهای مورد مطالعه برنامه‌های متنوعی برای افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف، به ویژه اقتصاد و اشتغال تدوین کرده‌اند. البته باید متذکر شد که برنامه‌های کشورهای غربی (دانمارک، کانادا و آلمان) در شیوه اجرا و نقاط تأثیر، تفاوت‌های اساسی با برنامه‌های کشورهای ایران، مالزی، ترکیه و مصر دارد. بخشی از این تفاوت‌ها به اختلاف در سطح توسعه یافتگی کشورها بر می‌گردد. برای نمونه، در برنامه‌های ایران، مصر و ترکیه توجه خاصی به مناطق روستایی و کمتر توسعه یافته شده است و پروژه‌های متعددی با ماهیت یاری و امداد برای بخش‌های کم برخوردار از کشور تدوین شده است؛ در حالی که کشورهای غربی کمتر به این گونه برنامه‌ها توجه داشته‌اند و وزن برنامه‌هایی که زنان را برای حضور در عرصه سیاست و تصمیم‌گیری تشویق و تقویت می‌کنند، در کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه بیش‌تر است.

همچنین، بخش دیگری از این اختلاف را می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی میان این دو دسته نسبت داد. به طور کلی، نظام فکری که فعالیت‌های توسعه‌ای زنان را در کشورهای غربی هدایت می‌کند، تحت تأثیر روندها و جریان‌هایی مانند فمینیسم و برابری جنسیتی (به معنی برابری کامل و یکسان بودن زن و مرد) است؛ ولی در کشورهای اسلامی مانند ایران، مالزی و مصر، ریشه فکری بسیاری از برنامه‌ها از آموزه‌های دینی برگرفته شده است؛ ترکیه نیز در این میان وضعیتی بینابین دارد. کانادا و مالزی در اسناد سیاسی خود به نقش دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی در بهبود وضعیت زنان توجه کرده‌اند.

یکی از رهیافت‌های منحصر به فردی که در ترکیه مشاهده می‌شود، توجه به این مسئله است که در کنار برنامه‌هایی که به طور مستقیم برای زنان تدوین می‌شود، آنچه برای ارتقای برابری جنسیتی ضروری است، آگاهی مردان از موضوع برابری جنسیتی و نقش آن‌ها در بهبود وضع زنان است.

رویکردهای دولت ایران نیز کمی نسبت به دیگر کشورهای حاضر در پژوهش، از مفهوم برابری جنسیتی دورتر است؛ اما بسیار عمیق‌تر به مسئله حقوق برابر زنان و مردان پرداخته است. با کمی دقت و بررسی بندهای موجود در قانون اساسی، قانون مدنی، قانون جزا و منشور حقوق زنان می‌توان دست یافت که این اسناد، تجمیعی از اسناد مرتبط دیگر کشورها است؛ اما نقطه عطف قوانین موجود در ایران این است که ضعف‌ها و مغایرات قوانین دیگر کشورها، با ملاحظاتی و تعالیم دینی اسلامی برطرف شده و یا قوانین جدید جایگزین شده‌اند؛ تا از ایدئولوژی‌های افراط و تفریطی غربی زودهوش شوند؛ تا هم مطابق ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران باشند، و هم به صورت اصولی حقوق زنان را محترم بشمارند و جایگاه آنان را در ارکان مختلف و حتی عالی جامعه ارتقاء بخشند.

بخش دوم: تحلیل‌ها

مقدمه

هر کشوری در جهان سنت‌ها و ویژگی‌های خاص خود را دارد و افرادی که در این کشورها زندگی می‌کنند، باید به این سنت‌ها احترام بگذارند.

آیین‌ها و رسم و رسوم هر کشور و هر منطقه‌ای، از نیکانمان به جای مانده و باید از آن‌ها محافظت کنیم تا مبدا از بین نروند؛ البته ناگفته نماند که تغییر و تحول در این گونه موارد کاملاً امری طبیعی و غیر قابل اجتناب است؛ اما باید بتوانیم تا فرهنگ اصیل و نیک خودمان را حفظ کنیم و در پی آن از ارزش‌ها و راه و روش نیک دیگر کشورها بیاموزیم و از مواردی که با فرهنگ پسندیده خودمان در تناقض است، اجتناب کنیم.

خانواده واحدی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید و اساس جامعه را تشکیل می‌دهد؛ خانواده در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی اهمیت بیش‌تری دارد. چرا که شناخت خانواده باعث شناخت بیشتر جامعه می‌شود. در بخش دوم از پژوهش حاضر به ویژگی‌های خانواده و مفهوم آن پرداخته شده است. کشورهای ایران و مصر به عنوان کشورهای مسلمان و کشور استرالیا به عنوان یک کشور فراقاره‌ای و همچنین کشورهای نروژ و آلمان به نمایندگی از کشورهای اروپایی و غیراسلامی، در این بخش حضور دارند.

خانواده در ایران

خانواده در فرهنگ ایرانی پایه و ستون اصلی جامعه است و برای مردم ایران واحدی بسیار ارزشمند است. در ابتدا باید گفت که خانواده کانون اصلی رشد و تعالی فرزندان است؛ فرزندان که قرار است جامعه را بسازند، و آداب و رسوم و فرهنگ کشور را در جامعه حفظ کرده و در بقای آن بکوشند. در جامعه ایرانی به دلیل این که در دین اسلام که دین اکثر مردم ایران است، به خانواده تاکید زیادی شده است، بنابراین جامعه ایرانی خانواده را بسیار مقدس می‌داند و در تحکیم و بقای آن کوشش زیادی می‌کنند.

هر وقت دو نفر با هم پیوند زناشویی می‌بندند و یا فرزندی به دنیا می‌آید، موج جدیدی به وجود می‌آید که شمار زیادتری از افراد را به هم پیوند می‌دهد. در واقع خانواده، ازدواج و خویشاوندی بنا به تعریف پدیده‌های اجتماعی با هم ارتباط داشته و مکملی هستند که هر کدام را باید به اعتبار دیگری بشناسیم.

افراد در این نهاد ضمن حفظ نسل، وظیفه تربیت فرزندان، مراقبت، حمایت از بزرگسالان و حفظ میراث فرهنگی و دینی خود را بر عهده دارند. در طول دو سده اخیر خانواده‌ی ایرانی در جریان نوسازی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی کشور تغییرات اساسی یافته است؛ به طوری که بعضی از خانواده‌ها از سنت‌های خود دور شده و فرهنگ بیگانه را در زندگی خود جای داده‌اند؛ و این امر باعث به وجود آمدن مشکلاتی در خانواده‌ها شده است. سابقه و تحولات تاریخی خانواده طی دوره‌های متعدد، چالش‌ها و مشکلاتی را سر راه خانواده از قبیل طلاق و فروپاشی خویشاوندی قرار داده است و این گونه مسائل از موضوعاتی است که تحقیقات زیادی در مورد آن شده است و در مجال این پژوهش نمی‌گنجد.

خانواده در مصر

کشور مصر در قاره آفریقا قرار گرفته؛ قاره‌ای که اکثر کشورهای آن آداب و رسوم باستانی دارند. تمدن بر این قاره تاثیر زیادی نداشته است؛ افراد ادیان باستانی دارند و پذیرفتن قوانین مدرن برای آن‌ها دشوار است. اما کشور مصر به عنوان مشهورترین کشور این قاره کمی از این ماجرا مستثنی است.

خانواده در این کشور، نه تنها شامل همسر و فرزند، بلکه شامل همه بستگان شوهر می‌شود. مرد بزرگ‌تر، سرپرست خانواده است و تمام پسران و خانواده‌های آن‌ها زیرمجموعه این گروه می‌شوند. آن‌ها با یکدیگر زندگی می‌کنند، غذا می‌خورند و حتی کار می‌کنند. افراد این کشور تغییرات را دوست ندارند؛ اگر فردی در مصر تصمیم به ازدواج گرفت، بدان معنی است که این امر جدی و همیشگی است.

مردم بر این باورند که همه مشکلات زندگی آنها می‌تواند برطرف شود، به شرط آن که همه با هم متحد باشند. در این کشور همه به هم کمک می‌کنند؛ اعضای خانواده به یکدیگر احترام می‌گذارند و همدیگر را دوست دارند. مصری‌ها می‌دانند که تنهایی معنایی ندارد. کودکان باید به والدین احترام بگذارند و ازدواج عموزاده‌ها در این کشور بسیار رایج است.

خانواده در استرالیا

از آنجایی که استرالیا قاره‌ای جوان است، سنت‌های آن جدیدتر به نظر می‌رسد. استرالیایی‌ها به خانه‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، دلبستگی ندارند و همه چیز جدید است؛ بنابراین خیلی سخت نیست که آن را ترک کنند. افراد معمولاً در مکان‌هایی زندگی می‌کنند که در آن مشغول به کار هستند. روابط خانوادگی و فامیلی

معنایی ندارد و همه سنت‌ها جدید و مدرن است، اما به طور کلی، هر خانواده سنت‌های خاص خود را دارد؛ زیرا اکثر افراد در این کشور مهاجر هستند.

استرالیایی‌ها افرادی شاد و خوشحال هستند. در این کشور، کودکان برای مدت طولانی با والدین زندگی نمی‌کنند و زمانی که بزرگ‌تر شدند از خانواده جدا می‌شوند. جالب است بدانید که استرالیا برای جوانان و سالخورده‌گان مناطق خاصی برای زندگی دارد؛ این ملت مردمانی بسیار خودمانی دارد.

خانواده در نروژ

افراد در نروژ معمولاً با فردی ازدواج می‌کنند که از کودکی همدیگر را بشناسند. آن‌ها بعد از ازدواج، صاحب فرزند می‌شوند. فرزندان در این کشور در ۱۸ سالگی مستقل می‌شوند و برای زندگی و مسکن، پول دریافت می‌کنند. بین والدین و فرزندان روابط دوستانه برقرار است. خانواده‌های نروژی معمولاً یک تا چهار فرزند دارند و اولین فرزند آن‌ها معمولاً در سن ۳۰ سالگی والدین به دنیا می‌آید. مادران نروژی ۱۱ ماه مرخصی با حقوق دارند و بعد از آن هم کمک هزینه فرزند دریافت می‌کنند.

افراد در نروژ معمولاً خانه قسطی خریداری می‌کنند تا خانه‌دار شوند و باید هر دو زوج کار کنند تا بتوانند قسط‌ها را بپردازند. افراد خانواده برای صرف غذا در رستوران، قبض را به صورت جداگانه حساب می‌کنند، پدر و مادر حساب‌های بانکی جداگانه‌ای دارند؛ در نتیجه می‌توان گفت که اغلب مردان و زنان خانواده‌های نروژی دارای استقلال مالی هستند.

خانواده در آلمان

این کشور با وجود جنگ‌های عظیم و تنش‌های بسیار، غنای فرهنگی بالایی دارد. افراد بعد از ازدواج، به همسر خود تکیه می‌کنند. آن‌ها سعی دارند در روابط خانوادگی، پرورش کودکان، کار و تحصیل ایده‌آل باشند. برای آلمانی‌ها مهم است که همه‌چیز زیبا و دلپذیر باشد. خانواده آلمانی معمولاً خانه‌ای پر از وسایل دارد، که گاهی جایی برای نشستن مهمان نیست. آلمانی‌ها رفتاری گرم و صمیمی دارند و دوستدار مهمان هستند.

فرزندان در ۱۸ سالگی مستقل می‌شوند. جوانان، معمولاً در کنار تحصیل، کار هم می‌کنند. خانواده به بستگان احترام می‌گذارد و سعی دارد تا تعطیلات در کنار هم باشند. پدر بزرگ و مادر بزرگ اغلب از نوه‌هایشان نگهداری نمی‌کنند و زندگی خصوصی خود را دارند.

نتیجه‌گیری

اگر کشورهای موجود در این بخش را در مقام مقایسه کنار هم قرار دهیم، متوجه می‌شویم که به طور کلی پایه و اساس هر جامعه را رکن خانواده تشکیل می‌دهد؛ و فرهنگ هر جامعه متناسب با دید و منش خانواده‌ها ساخته می‌شود.

در این بین، خانواده‌های کشورهای مسلمان از همبستگی، دوستی و روابط خویشاوندی بزرگ‌تر و بیش‌تری برخوردار هستند و افراد جامعه در این کشور توسط امر ازدواج، هم‌دل‌تر می‌شوند و به استحکام روابطشان افزوده می‌شود.

در مورد کشورهای استرالیا، نروژ و آلمان، متوجه این می‌شویم که اغلب افراد خانواده در این کشور تمایل دارند تا از استقلال اجتماعی و مالی برخوردار باشند، در نتیجه این امر، روابط خانوادگی و خویشاوندی به سمت سردی کشیده می‌شود و می‌تواند پایه‌های خانواده را دچار تزلزل کند.

البته باید بدانیم که استقلال در بسیاری از زمینه‌ها، مورد پسند است ولی نباید در این مورد دچار افراط شد و مفهوم استقلال را به خودمختاری و خودسری تغییر دهیم؛ چراکه انسان به ذات خود یک موجود اجتماعی است و نیاز دارد تا تعامل داشته باشد، کمک بکند و کمک بگیرد.

منابع

خبرگزاری کیهان. <https://kayhan.ir/>

خبرگزاری فارس. <https://farsnews.ir/>

خبرگزاری ایسنا. <https://www.isna.ir/>

خبرگزاری میزان. <https://www.mizanonline.ir/>

پرتال جامع علوم انسانی - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - مرکز آینده پژوهی جهان اسلام.

سایت بلاگفا. <http://www.blogfa.com/>